

این مقاله در روزنامه اطلاعات ۱۳۷۵/۱۰/۸ با عنوان «پیدا و پنهان در استراتژی رژیم صهیونیستی»

به چاپ رسیده است.

پیدا و پنهان در استراتژی رژیم صهیونیستی

سید مهدی ساداتی نژاد

بیش از پنجاه سال از پیدایش اسرائیل میگذرد در حالیکه هیچیک از کشورهای عربی و غیر عربی نتوانسته اند موجودیت این پدیده نامشروع را دچار تهدیدی جدی کنند اعراب با پشت سر گذاشتن چهار جنگ؛ عاقبت نتوانستند به نتیجه ای برسند و امروز اغلب کشورهای عربی به جای ابراز عصبیت دینی در دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم و ظالم چشم امید به میزهای ننگین مذاکره صلح فلسطینیان با اسرائیل بسته اند و راه چاره ای دیگر برای خروج از این بن بست نمی بینند و اسرائیل گام به گام به اهداف خود نزدیکتر می شود؛ چیزی که سالیان سال صهیونیستها ارزوی انرا داشتند و امنیت خود را در سایه ان می بینند. آنچه از ظاهر قضایا تا به امروز بدست می آید حاکی از اینست که دولت اسرائیل از ابتدای تاسیس در ۱۴ مه ۱۹۴۸ تا به امروز با استراتژی و تاکتیکهای خاص خود توانسته است موقعیت خود را ثبات بخشد. شناخت استراتژیهای اسرائیل برای همه مسلمانان که مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم را دنبال می کنند ضروری است چرا که ادامه مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم جهانی بدون شناخت استراتژی آنها راهی منتهی به شکست است. در این مقاله تلاش شده است استراتژیهای اسرائیل بر اساس منابع موجود مورد بررسی قرار گیرد. یکی از این منابع پروتگلهای طراحان صهیونیسم است که میتواند منبع بسیار خوبی برای شناخت استراتژیهای اسرائیل باشد. در این مقاله استراتژیهای اسرائیل در چهار بخش مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- استراتژیهای نظامی

۱- استراتژیهای سیاسی

۴- استراتژیهای اجتماعی - فرهنگی

۳- استراتژیهای اقتصادی

قبل از پرداختن به اصل موضوع ابتدا کلیاتی در مورد استراتژی؛ تعاریف مختلف ان؛ بعنوان مقدمه این

بحث ذکر می شود.

از سالیان بسیار دور واژه استراتژی مورد استفاده تئوریستهای نظامی و غیر نظامی بوده است در مفهوم سستی استراتژی بیشتر در چارچوب نظامی ان کاربرد داشته و بیشتر تعاریف موجود از استراتژی به این معنا توجه دارند مثلاً مکتب جغرافیا؛ استراتژی را علم جنگ می داند علمی که طرح تهیه می کند؛ خط مشی مؤسسات نظامی را تعیین می کند و آنها را تحت کنترل می گیرد. لیدل هارت در سال ۱۹۲۹ استراتژی را مانند کلاوسویتس اینگونه تعریف می کند: " هنر به خدمت گرفتن نیروهای نظامی برای بدست آوردن هدفی که توسط سیاستهای کلی دولت یا ملتی تعیین شده است." ۱

لیتره مؤلف فرهنگ چهار جلدی زبان فرانسه در اوائل قرن ۱۹ استراتژی را به شکل زیر تعریف می کند: " استراتژی عبارتست: هنر ارائه نقش نبرد؛ اداره ارتش در نقاط حساس یا سوق الجیشی؛ شناسایی نقاطی که بر روی آنها باید بیشترین نفرات را برای حصول اطمینان از پیروزی در جنگها متمرکز کرد." ۲

چنانچه از تعریف فوق بدست می آید استراتژی به مفهوم نظامی ان بکار برده شده است و در مفهوم نوین استراتژی به گونه ای دیگر تعریف شده که برای مثال به چند نمونه اشاره می شود. ژنرال فرانسوی اندره بوفر در کتاب " مقدمه ای بر استراتژی" (۱۹۶۳) استراتژی را بصورت زیر تعریف می کند: " استراتژی فن بکارگیری نیرو در جهت دستیابی به اهداف سیاسی است." ۳

پنتاگون استراتژی را چنین تعریف کرده است: " استراتژی عبارت است از هنر و علم توسعه و بکارگیری نیروهای سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و نظامی ملت در جنگ و صلح به منظور تامین حداکثر پشتیبانی از سیاست ملی به قصد افزایش احتمالات و نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمالی شکست." ۳

لوسین بواریر افسر ارشد نیروی زمینی ارتش فرانسه نیز استراتژی را چنین تعریف کرده است: " استراتژی جامع؛ دائمی و همه جا حاضر دارای اشکال گوناگونی است کلیه قلمروها و شاخه های فعالیت کلیه افراد و تمامی گروههای ملزم و تابع را در برمی گیرد و میتواند در صورت اقتضا فرمهای گوناگون دیگری به خود گیرد. طرق و وسایل رسیدن به اهداف ترکیبی از نیروهای فرهنگی- نظامی و اقتصادی است که میتواند با سیاستهای اقتصادی و نظامی و فرهنگی منطبق باشد." ۴

بر اساس تعاریف فوق استراتژی به مفهوم نوین خود حرکتی در تمام ابعاد است اعم از سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی اجتماعی. در این مقاله استراتژی اسرائیل با تکیه بر تعاریف فوق مورد بررسی قرار گرفته است. استراتژی در واقع خط مشی های کلی را روشن می کند و تاکتیکها؛ وسیله های رسیدن به خط مشی های کلی هستند. برای هر چه بیشتر روشن بودن تفاوت بین استراتژی و تاکتیک؛ به تمایزی که اندره بوفر در کتاب "نظری بر استراتژی نظامی" قائل شده است اشاره می کنیم.

"استراتژی وسیله ای از وسائل اجرای سیاست قدرت و تاکتیک وسیله ای از وسائل تطبیق استراتژی است. به این معنا که تاکتیک تابع استراتژی است و نه بر عکس. نه تنها استراتژی مشخص کننده تاکتیکهاست بلکه می خواهد که متوجه پیشرفت تاکتیکها نیز باشد تا وظیفه خویش را به منظور دستیابی به نتیجه قطعی به انجام برساند." ۵

با توجه به روشن بودن تفاوت بین استراتژی و تاکتیک بحث راجع به استراتژی اسرائیل را با تعریف استراتژی اسرائیل آغاز می کنیم. "استراتژی اسرائیل عبارتست از خط مشی ها؛ اهداف و ارمانهای رژیم اشغالگر قدس بر اساس طرحهای برگرفته از تعالیم مذهبی ائین یهود و نظریات طراحان صهیونیسم."

در این مقاله هم اصل ما تبیین استراتژی رژیم صهیونیستی است گرچه در مواردی ناچار به پاره ای از تاکتیکها که در حقیقت روشهای عملی و اجرایی رسیدن به استراتژی هستند اشاره کرده ایم. اصول استراتژی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ در اولین کنفرانس صهیونیسم که در شهر بال سوئیس برگزار شد تبیین گردید تئودور هرتزل در یادداشتهای خود در مورد کنفرانس بال می گوید: "اگر بخواهیم کارهای انجام شده در کنفرانس بال را در یک جمله که البته قادر به انتشار آن نیستیم خلاصه کنیم باید چنین بگوئیم که دولت یهود؛ در بال بوجود آمد. اگر امروز این مطلب را بیان کنم شاید مردم جهان به حرفهای من بخندند ولی اگر این رؤیا تا ۵ سال دیگر به حقیقت نپیوندد بطور قطع پنجاه سال دیگر تحقق خواهد یافت." ۶

جالب آنست که دقیقاً طبق گفته وی بعد از گذشت ۵۰ سال سازمان ملل متحد اسرائیل را به رسمیت شناخت. در این کنفرانس که بیش از ۲۰۰ صهیونیست از اروپا و آمریکا و آسیا و آفریقا شرکت داشتند

تصمیماتی گرفته شد که به پروتکل‌های بال یا طرح‌های بال و نیز به پروتکل‌های سران صهیون معروف می باشد. که از منابع بسیار مهم برای استخراج استراتژی‌های رژیم اسرائیل می باشد. ۷.

پروتکل‌های طراحان صهیونیسم

نتایج کنفرانس بال و پروتکل‌های سران صهیونیست که جزء اسرار بود در سال ۱۹۰۱ به دست یک نفر روسی بنام سرگی نیلوس افتاد. وی در سال ۱۹۰۲ انرا منتشر کرد و بخاطر برملا شدن نیات پلید یهود کشتار وسیعی بر علیه یهودیان صورت گرفت چنانکه در یکی از آنها حدود ۱۰ هزار نفر یهودی به قتل رسید. هرتزل فریاد و فغان برآورد و با صدور اعلامیه های متعددی این مطلب را تکذیب و مدعی به سرقت رفتن بسیاری از اسناد از قدس شریف شد. یهود خود را از پروتکلها مبری دانسته و انرا دسیسه ای بر علیه خویش شمرد و نفوذ خود در بریتانیا؛ روسیه را به جلوگیری از کشتار و جمع اوری نسخ کتاب مجبور کرد.

ویکتور مارسدان که در جریان انقلاب اکتبر روسیه در این کشور بوده و در مجله "پست بامداد" مقاله می نوشت توسط مقامات روس دستگیر شد و به زندان افتاد وی که شخصی انگلیسی بود پس از آزادی از زندان و مراجعت به انگلستان با استفاده از نسخه ای از کتاب که در موزه لندن بوده کار پرزحمت برگرداندن متن کتاب پروتکل‌های طراحان صهیونیسم را از روسی به انگلیسی بر عهده گرفت. مارسدن می گوید که هر بار به موزه لندن میرفت تا به ترجمه این کتاب مشغول شود به سبب شیطانی و غیر انسانی بودن محتوای کتاب نمی توانست بیش از یک ساعت کارش را ادامه دهد. کار برگرداندن کتاب که مارسدن انرا تعهدی برای خود تلقی کرد سرانجام او را به بستر بیماری انداخت و در واقع کار ترجمه کتاب به قیمت جانش تمام شد. ۸.

بطور کلی میتوان گفت مجموع پروتکل‌های ۲۴ گانه خطوط اصلی سیاست اسرائیل را تبیین می کند. بدلائل زیر پروتکل‌های طراحان صهیونیسم سندی معتبر و قابل اعتماد برای استخراج استراتژی‌های رژیم صهیونیستی است:

تطابق موجود بین مواد پروتکلها و وقایع گذشته در جهان.

پروتکلها تنها با مصالح و منافع صهیونیستها قابل انطباق است و این مسلما بر حسب تصادف نمی تواند باشد.

پروتکلها با آنچه در کتب مقدس یهود مثل تورات تلمود آمده است کاملا مشابه است.

نایاب شدن کتب پخش شده در مورد پروتکلها در بازارها که خود نشانه ای آشکار از اهتمام صهیونیسم به مخفی نگاهداشتن نیات پلید خود بر ضد جهان و تمدن

فراماسونری که تشکیلاتی صهیونیستی و خواهان برپائی هیکل سلیمان در قدس است نمونه دیگری از تطابق موجود با پروتکلهاست.

استراتژی اسرائیل

استراتژی ایجاد اسرائیل بزرگ

چنانچه در پروتکل ۳؛ ماده ۱ ذکر شده فلسفه جنبش صهیونیسم بر پایه تجمع و هجوم بنا شده یعنی عمل در جهت مهاجرت بیشترین تعداد یهودی با هر وسیله ممکن؛ اجبار؛ تحریک و فریب و چنانکه قطعه زمین اشغالی گنجایش مهاجرین را نداشت باید به سرزمینهای مجاور یورش برد و انرا با توسل بزور به تملک درآورده تا به این وسیله به رؤیای سرزمین اسرائیل یا اسرائیل بزرگ تحقق بخشیده شود. ۱۰

طراحان صهیونیسم در نقشه خیالی خود در راستای تحقق اسرائیل بزرگ ماری را ترسیم کرده اند که براساس این طرح رهبران صهیونیستها سر مار باشند (نام رهبران برای همیشه حتی از خود صهیونیستها هم مخفی مانده) و بدن مار عامه صهیونیستها هستند. مطابق این طرح؛ مار به قلب ملتها نفوذ پیدا می کند و شروع به بلعیدن دولتهای غیر صهیونیست می نماید و در طول سفرش مسیری دایره وار را طی می کند تا سرش مجددا به صهیون (نام کوهی در اورشلیم) برسد. وقتی گردش مار پایان یافت یک حلقه بوجود می اید که همان اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است .

۲- حاکمیت بر کل جهان

در پروتکل ۵ ماده ۶ آمده است: پیامبران گفته اند ما قومی هستیم که بوسیله خدا برگزیده شده ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم. خداوند به قوم ما هوش و ذکاوت سرشار اعطا کرده است؛ ما کفایت و لیاقت انرا داریم تا مسئولیت رهبری جهان را به انجام رسانیم. ۱۱

از این پروتکل کاملاً روشن است که سردمداران صهیونیسم چه اهدافی را دنبال می کنند.

۳- استراتژی توسعه گام به گام

دولت اسرائیل هر هدفش را هدف اول و آخر معرفی می کند و بعد از رسیدن به آن هدف؛ هدف دیگر را طرح می کند. این استراتژی از مکتب نظامی المان و زمان هیتلر ماخوذ است.

بن گوریون در مورد سرزمین اسرائیل می گوید: ۱۲ " هر دولت شامل یک سرزمین و مردمی است که در آن زندگی می کنند؛ اسرائیل هم از این امر مستثنی نیست اما دولت کنونی اسرائیل نه مالک تمام سرزمین و نه دارای تمامی مردمی است که باید در آن زندگی کنند."

مراحل استراتژی توسعه طلبی گام به گام برای رسیدن به اهداف: ۱۳

الف: ارزیابی واقعی شرایط جنبش صهیونیسم

ب : انعطاف پذیری؛ مقدم داشتن اصل بر فرع و یا مقدم داشتن هدف بر وسیله

ج : عدم بازگشت؛ که کمترین خواست صهیونیسم تحت هر شرایطی است.

گر چه در بسیاری از موارد اصل عدم بازگشت با انعطاف پذیری در تعارض است اما

فعالیت اصلی رژیم صهیونیستی در تمامی مراحل اصل عدم بازگشت است.

د : بعد از رسیدن به یک هدف بسوی مرحله بعد گام برداشته می شود.

دلایل عمده اتخاذ این استراتژی

ناتوانی اسرائیل در اسکان یکباره در تمامی اراضی اشغالی

وجود نیروهای بازدارنده عرب. این استراتژی در پروتکل ۱۰ ماده ۱۷ کاملاً تصریح شده است.

۴- تکیه بر یک دولت خارجی

جنبش صهیونیسم از ابتدا تا بحال یک شرط اساسی را مدنظر داشته و آن دستیابی به کمک یکی از دولتهای بزرگ و توافق کامل در زمینه همکاری با این جنبش بوده است. استراتژی اسرائیل در وهله اول از سخاوت بریتانیا تا زمان صدور طرح تقسیم در سال ۱۹۴۷ بهره جست و پس از آن؛ از ایجاد اسرائیل تاکنون از کمک امریکا استعانت جسته است. در پروتکل ۳ ماده ۱۶ چنین آمده است: "در حال حاضر ما یک نیروی بین المللی شکست ناپذیریم که از یک طرف مورد حمله قرار می گیریم و از طرف دیگر حمایت می شویم." در این پروتکل بطور ضمنی نتیجه متکی بودن به قدرتهای بزرگ بیان شده است. در حقیقت صهیونیستها بدون قدرتهای بزرگ نمی توانند وجود داشته باشند.

محمد حسنین هیکل در کتاب خود به این استراتژی اشاره دارد. ۱۴ "صهیونیسم لازم دید که به یک نیروی خارجی تکیه زند؛ قوایی که حاضر باشند در تحقق امال صهیونیسم آنان را یاری دهند و در مقابل؛ سهم خویش را در استعمار منطقه دریافت دارند." بعد از بریتانیا امریکا بعنوان بهترین حامی و مدافع اسرائیل همیشه از این کشور حمایت و سیل کمکهای مالی و نظامی خود را به این کشور سرازیر کرده است.

علل گرایش امریکا و اسرائیل به یکدیگر

از روزی که اسرائیل پا به عرصه وجود نهاد امریکا چتر حمایتی خود را بر سر آن گسترده و نه فقط با ارسال مدرنترین و آخرین انواع هواپیماها و تانکها و سلاحها؛ ماشین جنگی این کشور را به حرکت درآورده بلکه بخش عظیمی از رشد و توسعه اقتصادی اسرائیل را با کمکهای اقتصادی یا کمکهای داوطلبانه از طرف بخش خصوصی و یهودیان امریکایی تامین کرده است. "دیویدنس" دیپلمات برجسته و کاردار سفارت امریکا

در مصر که به علل نارضایتی از سیاستهای امریکا در خاورمیانه از وزارت امور خارجه امریکا کناره گرفت در مقاله خود در ۱۷ مارس ۱۹۷۱ در تایمز لندن و لوموند پاریس می نویسد:

” طی بیست سال اول برپایی اسرائیل کمک اقتصادی امریکا به اسرائیل که از جیب مالیات دهندگان امریکایی پرداخت شد به ۱۱ میلیارد دلار بالغ گردید؛ در حالیکه بیش از دو برابر همین مبلغ یعنی ۲۵ میلیارد دلار نیز از طریق بخش خصوصی و هدایای یهودیان امریکایی به اسرائیل منتقل شده؛ بعبارت دیگر امریکائیا در عرض بیست سال در حدود ۳۶ میلیارد دلار به اسرائیل فرستاده اند و از سال ۱۹۶۸ به بعد این کمکها افزایش یافته است. در سالهای اخیر میزان متوسط کمک امریکا به اسرائیل بین ۵ تا ۶ میلیارد دلار در سال بوده؛ در سال ۱۹۸۷ این کمکها به ۷ میلیارد دلار در سال رسید که اگر انرا به جمعیت اسرائیل تقسیم کنیم هر یک از افراد ان از طفل شیرخوار تا پیرمرد صد ساله بیش از دو هزار دلار سالانه مستمری از امریکا دریافت می کرده اند. بعبارت دیگر امریکا بیش از هر کدام از ایالتهاش به اسرائیل کمک می کند.“

این گزارش تنها گوشه ای از کمکهای مالی امریکا به اسرائیل را نشان می دهد. اما آنچه باید دانسته شود اینست که چرا امریکا به اسرائیل کمک می کند؟ به عقیده نگارنده؛ امریکا مجبور به کمک است و چاره ای جز این ندارد زیرا صهیونیستها در کشورهای قدرتمند دارای اهرمهای فشاری هستند که از آنها به نفع منافع خود استفاده می کنند صهیونیستها با یک برنامه ریزی دقیق طی ۵۰ سال بتدریج در دستگاه دولت امریکا نفوذ کرده و بسیاری از پستهای کلیدی و حساس را در دست خود گرفته اند در حالی که نسبت جمعیت یهودیان امریکا به کل جمعیت این کشور در حدود ۲/۵ درصد است حدود ۳۸ درصد کارمندان دولت امریکا را یهودیان تشکیل می دهند که بسیاری از آنها بخصوص در وزارتخانه های حساس؛ وزارت امور خارجه؛ دفاع؛ خزانه داری و دادگستری امریکا در سطوح بالا قرار گرفته و به مهمترین اسرار دولتی و نظامی امریکا دسترسی دارند. از عوامل دیگر نفوذ صهیونیستها در کنگره امریکا تسلط آنها بر منابع مالی و اقتصادی و بخصوص بانکهای امریکاست. صهیونیستها از سهامداران عمده بزرگترین بانکهای امریکا هستند و هیچ تصمیمی بدون موافقت سهامداران صهیونیستی امکان پذیر نیست. بطور کلی صهیونیستها بر تمام شئونات امریکائیا تسلط دارند و اهرمهای فشاری که اسرائیل در اختیار دارد چنان موثر است که حتی رؤسای جمهوری امریکا مجبور

به اطاعت و حمایت هستند. جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا در سالهای دهه ۷۰ میگوید خودکشی سیاسی را بر چشم پوشی از حمایت اسرائیل ترجیح میدهم. ۱۵

برای بهتر روشن شدن نفوذ یهودیان در امریکا به جدول زیر توجه کنید. (۱۶) (ارقام به درصد است).

شاغل	یهودی	امریکائی
تجار	۷۷	۲۳
وکلائی دادگستری	۷۰	۳۰
دکترها	۶۹	۳۱
پیشه وران	۴۳	۵۷
کارمندان دولت	۳۸	۶۲
کارگران فنی	۲	۹۸
کشاورزان	۰/۱	۹۹/۹
بیکاران	۰	۱۰۰

با توجه به اطلاعات جدول کاملاً روشن است که سه صنف تجار و وکلای دادگستری و دکترها که در امریکا مهمترین صنف هستند در دست صهیونیستها است و از همین طریق اعمال حاکمیت می کنند.

صهیونیستها بقدری در امریکا قدرت دارند که حتی وجود یک رئیس جمهوری مستقل یا مخالف منافع خود را در کاخ سفید تحمل نمی کنند و امروز بعد از گذشت سالها از ماجرای واترگیت و استعفای نیکسون در ۱۹۷۴ از مقام ریاست جمهوری به استناد گزارشهای فاش شده و گفته های هنری کیسینجر وزیر امور خارجه نیکسون که خود نیز یهودی است و در خاطرات خود با عنوان سالهای کاخ سفید این معما را حل کرده کاملاً روشن شده که این ماجرا ساخته و پرداخته صهیونیستها بوده و تمام جنجال تبلیغاتی نیکسون که به

استعفای او منجر گردید از طرف رهبران صهیونیست امریکا سازمان داده شده بود. کیسینجر در خاطرات خود می گوید نیکسون با اسرائیل روابط صمیمانه ای نداشت و در دوره دوم ریاست جمهوری خود اسرائیل را برای قبول شرایط عادلانه صلح با اعراب تحت فشار قرار داده بود.

کیسینجر بنا به مصالح سیاسی از نقش صهیونیستها در واترگیت صحبت نمی کند ولی اعتراف وی به اختلاف نیکسون با صهیونیستها کلید این معما است. نیکسون بعد از استعفا از مقام خود در ۱۹۷۴ چندین بار به عوامل پنهانی که موجبات استعفای او را از مقام ریاست جمهوری فراهم ساختند اشاره کرده است ولی از ترس شبکه مخوف صهیونیستی در امریکا که ارامش زندگی او را برهم بزنند و از ادامه کار او بعنوان نویسنده و مشاور حقوقی چند شرکت بزرگ امریکایی جلوگیری بعمل آورند؛ از ارائه توضیحات بیشتر در این مورد خودداری کرده است. ۱۷

برای تأیید مطلب فوق به دو مورد از پروتکلهای طراحان صهیونیسم نظری میپردازیم. پروتکل ۱۰ ماده ۱۲ رئیس جمهور حکومتهای غیر صهیونیستی را از میان مؤثر ترین عوامل و دست نشانندگان مان نامزد و سپس او را بر اساس رای گیری انتخاب می کنیم.

پروتکل ۱۰ ماده ۱۶: رئیس جمهور بنا به تشخیص ما قوانین را تعبیر و تفسیر می کند و هر زمان که ما به او دیکته کردیم؛ می تواند قوانین را تغییر دهد. بعلاوه به بهانه رفاه و سعادت مردم؛ او این حق را خواهد داشت که قوانین جدیدی پیشنهاد کند.

از مضمون هر دو پروتکل کاملاً پیداست که صهیونیستها با چه اطمینانی از نفوذ خود در آینده صحبت می کنند و امروزه با مدارک موجود این پیش بینی ها به واقعیت پیوسته است.

در ۲۱ شهریور ۱۳۶۵ خبرگزاریهای بین المللی و رادیوهای خارجی؛ خبری منتشر کردند که عمق نفوذ اسرائیل را در قوه مقننه امریکا نشان می دهد. خلاصه خبر این بود که جورج شولتز وزیر امور خارجه وقت امریکا در دیدار رسمی با اسحاق رابین وزیر دفاع وقت اسرائیل از وی تقاضا کرده است که از نفوذ خود برای تسریع در تصویب لایحه کمکهای خارجی امریکا در کنگره استفاده کند.

ار مدت بیش از ۵۰ سالی که از طرح تقسيم فلسطين در سازمان ملل متحد می گذرد؛ کنگره امريکا در هر موردی که با منافع اسرئيل ارتباط داشته باشد با اکثریت قاطع به نفع اسرئيل اظهار نظر کرده و در بسياری از موارد بیش از آنکه دولت تصميمی در مسائل مربوط به خاورميانه اتخاذ نماید با صدور قطعنامه هایی به نفع اسرئيل؛ رئيس جمهور و دولت امريکا را در محذور قرار داده است. از عوامل مهم ديگر اسرئيل برای نفوذ در اراء و تصميمات مقامات امريکايی تسلط آنها به وسایل جمعی است که در استراتژیهای فرهنگی به ان خواهيم پرداخت. برای مطلع شدن از میزان نفوذ صهيونيستها در ساير نقاط جهان بعنوان یک نمونه مطالعه نقش لابی های صهيونيستی در فرانسه با اعمال فشار برای محکوم نمودن روزه گارودی نویسنده فرانسوی که در کتاب خود داستان کوره های ادم سوزی هیتلر در جنگ جهانی دوم را برای مظلوم نمائی يهوديان پافسانه ای جعلی دانسته است بسیار جالب واموزنده می باشد

۵- حضور فعال در مسايل جهانی و داعيه صلح طلبی

در پروتکل ۹ ماده ۷ چنین آمده است: برای آنکه از رهبری توده ناآگاه مردم غير صهيونيست بکلی غافل نشويم؛ هر چند یکبار در مراسم آنها شرکت می کنیم. پس از آنکه توده مردم به رهبری ما اعتراف کردند؛ آنگاه بطور خصوصی درباره مسائل سیاسی با آنها وارد مذاکره می شويم.

از مضمون این پروتکل و ساير پروتکلها استراتژی اسرئيل اتخاذ می شود. فرهنگ سیاسی اسرئيل مملو از شعارهای صلح طلبی و طرحهای مربوط به ان است. اگر نگوئيم این شعار محور اساسی و اندیشه حاکم بر این فرهنگ را تشکیل می دهد میتوان ادعا کرد که دست کم حجم زیادی از فرهنگ مزبور را به خود اختصاص داده است. رهبران اسرئيل همیشه خواهان گفتگوی مستقیم با اعراب در جهت تحقق صلح و عقد قرارداد در این زمینه بوده اند؛ البته صلح بخودی خود هدف نهایی استراتژی اسرئيل نیست بلکه یک هدف مقطعی است تا اسرئيل شرایط لازم و کافی را برای مراحل بعدی طرح استعماری خود فراهم کند. در اینجا جالب است که نصیحت ژنرال دوگل را به اربابان وزیر امور خارجه وقت اسرئيل یادآوری کنیم. (۱۸) دوگل به اربابان اظهار می کند:

”جنگ نکن که در این صورت دنیا و من؛ تو را بعنوان متخاصم و مهاجم خواهیم شناخت و در این راه اسرائیل ضرر خواهد دید.“

در راستای عمل به این نصیحت بگین اولین قدم و رابین دومین قدم را برداشتند و تز زمین در برابر صلح را تلویحا پذیرفتند و قدمهای اولیه صلح برداشته شد. موضعگیریهای نتانیاهو و نقض تز زمین در برابر صلح و عدم پابندی به قرارداد اسلو شرایط جدیدی را بوجود آورد که ماهیت واقعی و ادعا بودن صلح طلبی رژیم صهیونیستی را تأیید می نماید چیزی که امروز یک نوع بازی سیاسی برای سرگرمی محسوب می گردد و هر از چند گاهی از سر گرفته می شود.

۶- داشتن سیستم اطلاعاتی نیرومند

این استراتژی در پروتکل ۱۵ ماده ۴ مورد تصریح قرار گرفته است. بر این اساس اسرائیل بر آن شد تا یک سیستم اطلاعاتی نیرومند بوجود آورد تا زمینه های سیاسی؛ نظامی و اقتصادی فعالیت کند. هدف این سیستم جمع اوری اطلاعات؛ دسته بندی و تحلیل آن با سرعت و دقت عمل بسیار است. ایگال الون می گوید: سازمان اطلاعاتی اسرائیل از موفقترین؛ مطمئنترین و تواناترین دستگاههای اطلاعاتی جهان از حیث جمع اوری اطلاعات و دقت در تحلیل پیشرفتهای سیاسی و اجتماعی ارتشهای عربی است. سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) یکی از پنج سازمان بزرگ جاسوسی امروز جهان است و علاوه بر ایجاد یک شبکه نیرومند جاسوسی در خاورمیانه دامنه فعالیت خود را به سراسر جهان از جمله اروپا و آمریکا گسترش داده است. نطفه سازمان جاسوسی اسرائیل حتی قبل از تشکیلات رژیم صهیونیستی؛ از تشکیلات صهیونیسم جهانی و اژانس در ۱۹۲۹ بوجود آمد. در زمینه تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در سال ۱۶۲۶ نشریه محرمانه ای برای اطلاع دیپلماتهای امریکایی و اعضای خود منتشر کرد که متن انگلیسی آن در سری اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۱ منتشر شده است. در این سند آمده:

اسرائیل در حال حاضر چندین سازمان اطلاعاتی و امنیتی دارد که مهمترین آنها عبارتند از سرویس اطلاعات مخفی که همان سازمان جاسوسی خارجی اسرائیل می باشد و در دنیا بنام موساد شهرت دارد.

سازمان امنیت داخلی بنام "شین بت" و سازمان اطلاعات نظامی که "آگاف مودین" نام دارد و با آنکه بزرگترین سازمان جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل است در خارج شهرت زیادی ندارد. به موجب گزارش سیا؛ تعداد اعضای موساد پانصد تا دو هزار نفر و اعضای شین بت هزار نفر و آگاف مودین را تا ۷۰۰۰ نفر تخمین زده اند. علاوه بر این سازمانها؛ وزارت خارجه اسرائیل نیز یک سازمان اطلاعاتی ویژه دارد که عده ای از دیپلماتهای اسرائیل در آن عضویت دارند و در سازمانهای بین المللی و سفارتخانه های اسرائیل در خارج فعالیت می کنند. این سازمان زیر نظر مستقیم نخست وزیر اسرائیل اداره می شود. بیش از دو ثلث اعضای موساد در شبکه بین المللی این سازمان در سراسر جهان پراکنده اند و در هر کشور از افراد و عوامل محلی و کسانی که تمایلات صهیونیستی دارند برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می کنند. موساد از بدو تاسیس با سازمان سیا همکاری نزدیک دارد ولی قسمت عمده فعالیتهای این سازمان کاملاً مستقل و خارج از کنترل سیا است. موساد یک شبکه قوی در کشورهای خاورمیانه و آفریقا دارد ولی مهمترین صحنه فعالیت موساد کشورهای اروپای غربی و خود امریکاست. چند سال قبل که تماسهای "اندور یانگ" نماینده اسبق امریکا در سازمان ملل با فلسطینی ها فاش و موجب برکناری وی شد.

وسعت عملیات جاسوسی اسرائیل در امریکا موجب نگرانی خود امریکائیه را فراهم ساخت زیرا ماموران موساد تا داخل دفتر رئیس هیات نمایندگی امریکا در سازمان ملل رسوخ کرده و با قرار دادن میکروفون مخفی در اتاق وی؛ صحبت های او را با فلسطینیها ضبط کرده بودند. (۱۹)

سازمان جاسوسی موساد از لحاظ قدرت؛ شهرت و ابتکار عمل در ردیف نیرومندترین سازمانهای مخوف پلیس مخفی جهان قرار دارد و انرا معمولاً با سازمانهای جاسوسی امریکا در شوروی مقایسه می کنند در حالیکه خود از جمله جوانترین سازمانهای جاسوسی بشمار می آید و در یکی از کوچکترین کشورهای جهان یعنی فلسطین اشغالی مقر دارد. سازمان جاسوسی موساد توسط رژیم بوجود آمده است که با هیچیک از خصوصیات اقتصادی؛ سیاسی؛ اجتماعی؛ اخلاقی؛ فرهنگی و نظامی محیط اطراف خود قابل تطبیق نیست و اسرائیل در منطقه خود صددرصد بیگانه است اما این بیگانگی و غربت که برای هر نظام سیاسی یک عامل منفی و بازدارنده تلقی می شود هیچگاه مانع روند روبه رشد و حرکت فراگیر موساد نشده است. (۲۰)

توسل به هر کار و روش برای رسیدن به اهداف

در پروتکل ۱۱ ماده ۴ چنین آمده است: "غیر صهیونیستها گله گوسفندانند و ما گرگهای این گله هستیم و شما میدانید که وقتی گرگ به گله زند چه اتفاقی میافتد."

اعمال صهیونیستها تا به امروز مهر تاییدی بر صدق این مطلب است که رژیم اسرائیل برای رسیدن به اهدافش به هر اقدام تروریستی دست میزند و از هیچ جنایتی ابا ندارد. کتاب "اسمان گریست" نوشته تونی کلیفتون (۲۱) به گوشه ای از جنایات و کشتار فجیع اسرائیل در دیرباسین و سایر موارد اشاره کرده است.

برتری علمی و تکنولوژیکی

صهیونیستها استراتژی برتری علمی و تکنولوژیک را به اهتمام زیاد دنبال می کنند. دکتر ا.د.د رئیس کمیته انرژی اتمی اسرائیل در مصاحبه با روزنامه "داخار" ۱۱ آوریل ۱۹۷۴ می گوید: "اعراب در زمینه علمی و تکنولوژیک ۱۰۰ سال از اسرائیل عقب هستند."

علم و تکنیک از مهمترین اصولی است که در استراتژی اسرائیل بر آن تکیه شده است. امار یونسکو؛ اتحادیه ها و اژانسهای علمی بین المللی مؤید اهتمام اسرائیل به علم و تکنیک می باشد. در دهه اخیر جهان شاهد فعالیتهای علمی ارزشمند؛ کنفرانسهای رسمی و غیر رسمی بین المللی؛ اجتماعات؛ گردهمایی ها؛ نمایشگاهها و دوره های آموزشی در میادین مختلف و هسته ای؛ فیزیک؛ شیمی؛ بیولوژی؛ الکترونیست؛ مواد معدنی و امور مالی بوده است.

مسائل و طرحهای مختلف مطرح شده در این دوره به ۵۵۰۲ رویداد علمی بالغ می گردد در این میان امریکا در ۹۴ درصد؛ اسرائیل ۸۸ درصد؛ بریتانیا ۸۶ درصد؛ المان فدرال ۸۴ درصد؛ فرانسه ۸۱ درصد؛ شوروی سابق ۷۲ درصد از آنها مشارکت داشته اند. به این ترتیب اسرائیل در ۴۸۴۲ کنفرانس و گردهمایی طی سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۵ شرکت جسته؛ اسرائیل تنها به شرکت در کنفرانسها اکتفا نکرده بلکه اقدام به تشکیل

کنفرانسهای علمی مشابهی در اسرائیل کرده است مانند کنفرانس علمی سال ۱۹۶۸ با شرکت ۲۱۵ فیزیکدان جهانی که در اسرائیل برگزار شد. ۲۲

استراتژیهای نظامی

بر اساس پروتکلها و نظریات سردمداران صهیونیسم استراتژیهای نظامی زیر بدست صهیونیستی از آنها استفاده کرده و در راستای آن گام برداشته است:

ایجاد ارتش قوی

در تابستان ۱۹۳۸ ارتش اسرائیل تشکیل شد. این ارتش در حال حاضر قادر است در موقع لزوم ۵۰۰ هزار سرباز را به میدان جنگ بفرستد. ویژگی خاص ارتش اسرائیل اینست که چون اسرائیل قادر نیست در حالت عادی ارتشی بزرگ و دائمی را تامین کند از این رو تنها با هسته های کوچک از نیروها به فعالیت ادامه می دهد و بخش وسیعی از توان خویش را در حالت احتیاط نگه می دارد. ۲۳

اسرائیل تنها دولت موجود در جهان می باشد که نظام خدمت اجباری را برای زنان مقرر داشته است. خدمت دوران صلح عبارتست از خدمت در نیروی نظامی یا احتیاط ارتش دفاع؛ ۳۰ ماه برای جوانان ۱۸ تا ۱۹ سال و ۲۴ ماه برای زنان. اسرائیل نیروهای جنگی خود را به چهار گروه اصلی تقسیم کرده است:

ارتش نظامی کوچک

خدمت ملی و سربازی اجباری

احتیاط

دفاع منطقه ای با تکیه بر ساکنان

اسرائیل در موقع لزوم مردان خویش را با فراخوانی از طریق رادیو و یا با ارسال درخواست شخصی بوسیله فرستادگان واحد مربوطه طلب می کند و سپس از اجتماع همه آنها در مکان موردنظر به پایگاههای ویژه واحدها منتقل شده و پس از تجهیز مستقیماً به جبهه اعزام می گردند. ۲۴

بر اساس اطلاعات مندرج در مجله المیزان العسکری؛ در سال ۱۹۷۵ تعداد نیروهای اسرائیل به این شرح است: "نیروی نظامی ۱۲۵ هزار و نیروی احتیاط ۲۵۴/۵۰۰ سرباز"

انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک؛ امار زیر را راجع به وضعیت نظامی اسرائیل منتشر کرده که تا سال ۱۳۵۷ دقیقترین امار می باشد. ۲۵

نیروی زمینی	نیروی دریایی	نیروی هوایی
۹۴۵۰۰ سرباز قابل پیش بینی تا سیصد هزار	۵۰۰۰ افراد نیروی دریایی	۱۱۰۰۰ خلبان دائم و قابلیت بسیج تا ۲۰۰۰۰ در شرایط جنگ
۱۷۰۰ تانک متوسط	۳ زیر دریایی	۴۸۸ هواپیمای جنگی شامل اف-۴ فانتوم- میراژ- اسکای هاوک باراک- سوپر میستر
۲۰۰ تانک بن گوریون	۱ ناوشکن	

	۱۳ ناوچه جنگی	
	۹ اژدر افکن	

در استراتژی نظامی صهیونیستی دو مساله بسیار مهم است:

۱- تجهیز ارتش با مدرنترین وسایل

۲- عدم بازگشت از سرزمینهای اشغالی تا حد امکان

الف: در پروتکل ۷ ماده ۱ مساله تجهیز ارتش با مدرنترین امکانات مطرح شده است:

” برای آنکه بتوانیم هدفهایمان را که قبلا درباره آنها بحث کردیم هرچه زودتر عملی سازیم باید میزان تولید جنگ افزارها و نیز شماره نظامیان و پلیس را افزایش دهیم.“

اسرائیل امروزه دارای مجهزترین نیروی زمینی و هوایی و دریایی خاورمیانه است و به موجب امار منتشر شده از طرف مؤسسه بین المللی تحقیقات استراتژیک لندن در ۱۹۸۲ م هزینه نظامی سالیانه رژیم صهیونیستی از هشت میلیارد دلار تجاوز کرده که ۴۰ درصد هزینه این رژیم را تشکیل می دهد. به موجب این گزارش هزینه دفاعی سوریه بزرگترین قدرت نظامی در مقابل اسرائیل در حدود دو میلیارد و پانصد میلیون دلار است یعنی کمتر از یک سوم هزینه نظامی اسرائیل که این رقمها قطعا در حال حاضر افزایش داشته است .

ب : در راستای تحقق اسرائیل بزرگ و رسیدن به سرزمین موعود؛ هر سرزمینی که اشغال شود جزء اسرائیل محسوب می گردد و از آن عقب نشینی نخواهند کرد. صهیونیسم روزی که پا به عرصه وجود نهاد هدف خود را ایجاد وطنی برای قوم یهود در فلسطین اعلام کرد. با تشکیل دولت اسرائیل این مقصود حاصل شد ولی عملا چنین نشد و به دامنه ان افزودند. گلدامیر می گوید: ۲۶

”مرز اسرائیل انجایی است که در آن یهودی وجود دارد نه آنجا که روی نقشه علامت گذاری شده است.“

همانگونه که روشن است اسرائیل گام به گام بطرف اهداف توسعه طلبانه خود گام برمی دارد. از بدو تاسیس اسرائیل این رژیم در طول بیست سال با اشغال سرزمینهای مجاور وسعت خود را از آنچه سازمان ملل مشخص کرده به چهار برابر افزایش داده است.

۲- استراتژی تهاجمی

بن گوریون می گوید: ”بهترین وسیله برای دفاع تهاجم است.“ استراتژی تهاجمی بر اساس تاکتیکهای زیر عملی می گردد: ۲۷

الف: اصل غافلگیری

اصل غافلگیری خواه استراتژیک و خواه تاکتیکی شاخص اصلی مکتب نظامی اسرائیل است. غافلگیری در ذات خود وسیله ای است برای رسیدن به برتری و همچنین جبران نقص و ضعف نقاط دیگر؛ اسرائیل در کلیه جنگهای خود از این اصل پیروی کرده است.

ب: اصل انتقال نبرد به داخل سرزمین دشمن

شرایط جغرافیایی اسرائیل اقتضا می کند که اسرائیل این اصل را انتخاب کند. نسبت بین طول مرزها و عمق اراضی اسرائیل به لحاظ دفاعی بسیار زیانبار است و از طرفی اسرائیل نقطه کوچکی است در میان جهان عرب و هدفی است که باسانی میتوان چه از طریق دریای سرخ و چه از جانب دریای مدیترانه با آن جنگید؛ توپخانه سوریه قادر است مستعمرات اسرائیل را در عمق تهدید کند و همینطور ارتش اردن می تواند با یک تهاجم به قلب اسرائیل برسد و انرا به دو نیم تقسیم کند. عراق می تواند با موشک؛ اسرائیل را منهدم کند چنانچه در جریان جنگ خلیج فارس انرا به اثبات رسانید و نهایتا موشکهای شهاب ۳ ایران به اسانی می تواند

در عمق اهداف مورد نظر را در داخل اسرائیل تهدید نماید زمامداران اسرائیل این نکته را به خوبی می دانند و لذا این اصل را در استراتژی تهاجمی خود مدنظر دارند.

ج : اصل تحرک و استفاده از موانع طبیعی

بر اساس این اصل نیروی نظامی اسرائیل با تحرک بیشتر و با سرعت بیشتر در تهاجم و دفاع عمل می کنند و در یک خط ثابت و متمرکز نمی مانند. برای مثال جنگ ۱۹۶۷ که نیروهای اسرائیل در مواضع ثابت و خطوط دفاعی غیر متمرکز نبوده و با قدرت برتر به مانور پرداختند و نیز استفاده از موانع طبیعی مانند کوهها؛ تپه های صعب العبور و ایجاد راه در دره ها و سرایشی های تند از اصولی است که اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ از آن استفاده کرد.

۳- استراتژی جنگ برق اسا و ابتکار عمل در تهاجم ۲۸

انچه اسلوب نظامی اسرائیل را از سایر شیوه ها متمایز می کند آنست که جنگ برق اسا را استراتژی اساسی جنگ می داند. اهم دلایل موجود مبنی بر اهتمام اسرائیل به جنگ برق اسا به این شرح است:

شرایط جغرافیایی و انسانی

عدم تحمل یک جنگ دراز مدت

شکست برای اسرائیل به منزله نابودی است

بازداری اعراب از جنگ

ایگال الون می گوید: شرایط لازم و استراتژیک یک طرح دفاعی خاص را برای اسرائیل به اینگونه ضروری می داند که در آن مفهوم عقب نشینی وجود نداشته باشد. موشه دایان در مورد تاکتیکهای اسرائیل در این زمینه می گوید: (۲۹) " ارتش اسرائیل در تاکتیک نظامی و بخصوص از لحاظ روحیه معنوی مانند جوجه تیغی نیست که به محض احساس خطر زیر تیغهایش پنهان شود و منتظر ضربه باشد؛ بلکه ارتش ما شبیه گاو نری است که هنگام روبرو شدن با خطر شاخهایش را تیز کرده خود را آماده تهاجم می سازد."

۵- استراتژی بیم و دفاع (۳۰)

این استراتژی شامل یک ضد حمله پیشگیری کننده است؛ باید اذعان داشت که این استراتژی در حد خود یک نظام متکامل را تشکیل می دهد. "بیم" عبارتست از : خودداری دشمن از اقدامات نظامی بدلیل ابراز مخاطرات احتمالی که بیش از دستاوردهای پیش بینی شده باشد. پس "بیم" یک حالت عقلی و روانی است که مساله ای را در عین آنکه ثمربخش می داند همان را باعث تهدید منافع خود می انگارد. در حال حاضر سلاح اتمی بالاترین مرحله شناخته شده در مورد این استراتژی است.

انرژی اتمی اسرائیل

درباره نیروی اتمی اسرائیل (۳۱) تا این اواخر هیچگونه اطلاع دقیقی و قابل اطمینانی در دست نبود تا اینکه یکی از کارشناسان نیروگاه دیمونا بنام "مردخای وانونو" پس از اختلاف با مدیران نیروگاه و استعفا از کار خود به لندن رفت و اسرار تکان دهنده ای از ساختمان سلاحهای اتمی اسرائیل فاش کرد. دکتر وانونو در این گزارش مستند و مصور که روزنامه معتبر ساندی تایمز در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۶ چاپ کرد نوشت که اسرائیل بیش از صد بمب اتمی در اختیار دارد و در سالهای اخیر تولید سلاحهای حرارتی هسته ای یا بمب نوترونی را نیز که قادر به از بین بردن موجودات بدون آسیب رسانی به ساختمانها و تاسیسات شهری است آغاز کرده است. این گزارش می افزاید اسرائیل علاوه بر بمبهای اتمی بزرگ که باید بوسیله هواپیما یا موشک حمل می شود به سلاحهای تاکتیکی اتمی نیز تجهیز شده و هم اکنون موشکهای خود را در طول مرز سوریه و ارتفاعات جولان با کلاهک اتمی مجهز ساخته است. در سیزدهمین کنفرانس جهانی اژانس بین المللی نیروی اتمی در سپتامبر ۱۹۸۶ وین هیات نمایندگی سوریه بیانیه ای درباره نیروی اتمی اسرائیل منتشر کرده که هیات نمایندگی اسرائیل انرا تکذیب نکرده در این گزارش آمده است که اسرائیل بمبهای به قدرت ده تن معادل نیروی تخریبی بمب اتمی هیروشیما در اختیار دارد و این بمبها می تواند با موشکهای ساخت اسرائیل بنام "جریکو" Jericho یا هواپیماهای فانتوم حمل و پرتاب شود. در قسمت دیگر بیانیه دولت سوریه آمده است که اسرائیل بوسیله جاسوسان و عوامل خود صد تن اورانیوم و هشتاد چاشنی بمب اتم از امریکا ربوده است.

۵- استراتژی نفوذ غیر مستقیم و مستقیم

این استراتژی که متفکر نظامی بریتانیا لیدل هارت در کتاب "استراتژی غیر مستقیم" به آن پرداخته است مورد استفاده اسرائیل نیز می باشد. بر اساس این استراتژی پیروزی به بهترین شیوه و در اسرع وقت از طریق شکست روحی ممکن است و نه از طریق خونریزی انسانی؛ زیرا تضعیف روحیه دشمن اسانترین طریق شکست است. از آنجا که برتری مادی مطلق اسرائیل بردول عربی شرایطی را می طلبد که اسرائیل فاقد آنست؛ تنها راه برای جبران این کمبود و توازن در نیروهای نظامی اسرائیل با نفوذ روحی؛ افزایش روحیه نبرد و تحرک در ارتش است.

استراتژی نفوذ غیر مستقیم با دو اصل مادی و معنوی خود یعنی تحرک و غافلگیری بهترین شیوه برای جبران ضعف است. در موارد بسیاری هم دیده می شود که اسرائیل از استراتژی مستقیم استفاده کرده است؛ استراتژی مزبور مبتنی بر درگیرهای نظامی مستقیم و مهم است تا هدف اصلی را با سرعت بیشتری نسبت به استراتژی غیر مستقیم محقق سازد. اندره بوفر در کتاب "استراتژی اقدام" (۳۲) تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۵۶ را نمونه عینی استراتژی مستقیم می شمارد.

۶- استراتژی حفظ هدف و تداوم آن (۳۳)

اسرائیل برای رسیدن به اهداف خود همانطور که در استراتژیهای سیاسی مطرح شد از شیوه گام به گام بهره می گیرد تا مانع برانگیختن افکار عمومی جهانیان گردد. این استراتژی نظامی نیز روشن است به این صورت که با اعلان یک هدف نزدیک چنان عمل می کند که گویی هدف نهایی اوست ولی پس از رسیدن به آن هدف بر اساس اهداف مشخص در طرح کلی استراتژی جهت وصول به هدف دیگری گام برمی دارد.

استراتژیهای اقتصادی

در انحصار گرفتن صنعت و سرمایه

پروتکل ۶ ماده ۱: می‌خواهیم به انحصار ثروتهای عظیم؛ منابع و کالاهائی که جوامع غیر صهیونیست در آینده به مقیاس وسیعی به آنها متکی خواهند شد؛ دست بزنیم تا اینکه این جوامع را پس از پس از شکست اقتصادی نیز مواجه سازیم.

پروتکل ۶ ماده ۶: همزمان با اقداماتی که در مورد زمینداری باید انجام شود صنعت را نیز به انحصار خود در می‌آوریم؛ البته در مراحل نخست صنعت را در یک حالت تعادلی قرار می‌دهیم و از انحصار شدید در مراحل اولیه خودداری می‌کنیم؛ غرض ما از حالت تعادل اولیه آنست که صنعت و مالا سرمایه در بخش خصوصی متمرکز گردند و بانکهای خصوصی بوجود آیند.

مفاد هردو پروتکل مبین این استراتژی است. در عمل نیز صهیونیستها امروزه قطبهای اقتصاد را در اختیار دارند. در امریکا وضعیت بسیار روشن است و بیشتر به این موضوع اشاره شد.

در اختیار گرفتن نخبگان اقتصادی کشورها

پروتکل ۸ ماده ۲: ”دولت تمام اقتصاددانان جهان را به خدمت خود در می‌آورد. بعلاوه آموزش اصول و مبانی اقتصاد به صهیونیستها نشانگر اهمیتی است که ما برای علم اقتصاد قائلیم. دوست ما از مشورت بانکداران؛ صاحبان صنایع سرمایه داران و میلیونرها برخوردار خواهد بود و همه چیز به زبان ارقام و اعداد بیان خواهد شد.“

پروتکل ۷: ”... در هر کشوری باید چند نفر میلیونر باشند که کاملاً فدائی ما باشند و علاوه بر آنها؛ افرادی نیز در شهربانی و ارتش.“ (۳۴)

در پروتکل مزبور نیز استراتژی صهیونیستها را در زمینه مسائل اقتصادی بیان کرده است در مقام عمل نیز موفقیت اسرائیل از ابتدا تا به امروز رهین در اختیار گرفتن نخبگان اقتصادی و سیاستمداران چیره دست بوده است.

ایجاد بحران اقتصادی در کشورها

پروتکل ۳ ماده ۱۱: "وجود بحران اقتصادی نفرت غیر صهیونیستها را افزایش می دهد و صنعت را دچار رکود می سازد. در این هنگام ما می توانیم با عملیات مخفیانه و نیز به یاری طلا که قبلا انرا بدست آورده ایم؛ آتش بحران اقتصادی را شعله ورتر سازیم و کارگران را در سراسر اروپا به خیابانها بریزیم."

پروتکل ۶ ماده ۷: "برای آنکه بتوانیم صنعت غیر صهیونیستها را بکلی نابود کنیم؛ علاوه بر انحصار طلبی؛ تجمل پرستی را رایج می کنیم و نیازهای کاذب مردم را افزایش می دهیم. اقدام دیگر ما اینست که مزد کارگران را بالا می بریم بطوریکه این افزایش دستمزد هیچگاه به سود آنها تمام نشود... در عین حال به شیوه بسیار زیرکانه ای میزان تولید را کاهش می دهیم بدین معنا که اعتیاد هرج و مرج طلبی و کم کاری را در میان کارگران رواج می دهیم و به مدد شیوه های گوناگون صحنه زمین را از وجود متخصصان و تحصیل کرده های غیر صهیونیست پاک می کنیم."

دو پروتکل مزبور نیز استراتژی صهیونیسم را در زمینه اقتصاد بیان می کند. صهیونیستها برای رسیدن به اهداف از تاکتیکهای مختلفی استفاده می کنند که موارد آن بسیار زیاد است که خود بحث مستقلی را می طلبد.

استراتژیهای اجتماعی - فرهنگی

اعتقاد صهیونیستها به برتری مطلق یهودیان

پروتکل ۱ ماده ۲۵: اگر به تاریخ گذشته نگاهی بیفکنیم در می یابیم که ما نخستین قومی بودیم که ندای آزادی؛ برابری و برادری را سر دادیم.

پروتکل ۵ ماده ۶: پیامبران گفته اند ما قومی هستیم که بوسیله خدا برگزیده شده ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم. خداوند به قوم ما هوش و ذکاوت سرشار اعطا کرده است تا مسئولیت رهبری جهان را بانجام برسانیم.

پروتکل ۱۴ ماده ۱ : هنگامی که حکومت شاهنشاهی ما آغاز شد: همه ادیان باید از بین بروند بجز دین ما که همانا اعتقاد به خدای یگانه است.

همانگونه که از مفاد پروتکلها بدست می آید؛ رژیم صهیونیستی دارای روحیه نژادپرستانه است. صهیونیستها معتقدند که از دیگران بالاتر و ارزشمندتر هستند بنابراین باید همه نعمتها را در اختیار آنها باشد. "ناحوم سوکولو" که صهیونیستها او را از متفکران برجسته خویش می دانند میگوید : "در میان ملل متمدن یهودیان بی گمان خالص ترین نژادند." (۳۵)

اعلامیه سازمان جهانی صهیونیسم که در سال ۱۸۹۹ صادر شد؛ طی یک بند از بندهای خود اظهار می دارد که ما می توانیم از داشتن پاره ای خصوصیات و کیفیات ارزنده ای که به این اندازه در ملل دیگر نیست بخود ببالیم.

"اسرائیل شاهاک" رئیس کمیته حقوق بشر اسرائیل در کتابی بسیار جالب آورده است که در اسرائیل حیوانات و نباتات هم به یهودی و غیر یهودی دسته بندی شده اند. دولت اسرائیل رسماً گاوها و گوسفندها و گوجه فرنگیها و گندمها را به یهودی و غیر یهودی برلورد و طبقه بندی می کند. شاهاک در جای دیگر کتاب خود می گوید: در اسرائیل ازدواج یک نفر یهودی با غیر یهودی ممنوع است.

تئودر هرتزل در کتاب خود بنام "دولت یهود" به پیروان خود توصیه می کند که در میان این جانوران یعنی غیر یهودیان بمب منفجر کنید. (۳۶)

یک نویسنده دیگر می گوید ایا واقعا زندگی یک گاو اسرائیلی می تواند از زندگی یک عرب بیشتر ارزش داشته باشد و بعد نشان می دهد که بله چنین است. (۳۷)

در کتال تلمود که شریعت شفاهی یهود به ضمیمه تفاسیر خاخامهای یهود است آمده : " ارواح یهود از ارواح دیگران افضل است زیرا ارواح یهود جزء خداوند است همچنانکه فرزند جزء پدرش می باشد و روحهای یهود نزد خدا عزیزتر است زیرا ارواح دیگران شیطانی و مانند ارواح حیوانات است. نطفه غیر یهودی مانند نطفه بقیه حیوانات است و بهشت مخصوص یهود است." (۳۸)

استفاده وسیع از مطبوعات و در انحصار گرفتن آن

پروتکل ۲ ماده ۵: می دانیم که ممالک جهان از مطبوعات بعنوان وسیله هایی برای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده می کنند. لذا برای اینکه بتوانیم از مطبوعات در جهت خواسته های خود استفاده کنیم باید در بین مردم نارضائی ایجاد نمائیم و سپس از طریق مطبوعات نارضائی ها را منعکس سازیم. "...ما می توانیم از طریق مطبوعات اعمال نفوذ کنیم."

پروتکل ۱۲ ماده ۴: مطبوعات نخواهند توانست بدون اطلاع ما کمترین خبری را در اختیار مردم بگذارند البته در زمان حاضر ما تا حدودی به چنین هدفهایی رسیده ایم. زیرا تمام کانونهای خبری جهان؛ اطلاعات خود را از چند کانون خبری محدود دریافت می کنند. این چند کانون خبری محدود که در آینده ای نزدیک تماما بدست ما خواهند افتاد؛ هر آنچه را که ما به آنها دیکته می کنیم در سراسر جهان پخش می کنند.

پروتکل ۱۲ ماده ۵: اگر تدابیری را که در مورد مطبوعات اندیشیده ایم به مرحله اجرا درآوریم؛ ذهن و فکر غیر صهیونیستها به تسخیرمان در می آید و آنان وقایع جهان را از پشت عینکهای رنگینی که ما به چشم آنها می گذاریم؛ می نگرند.

در عمل امروزه از ۵ بنگاه خبری جهان ۴ بنگاه در اختیار صهیونیستها است که هر خبری را که با منافع آنها سازگار نباشد بایکوت می کنند. چنانچه از پروتکلها نیز روشن گردید این مساله جزء اهداف اسرائیل بوده که امروزه به آن جامه عمل پوشانده شده است؛ مجموع موارد پروتکل دوازده تماما راجع به مساله مطبوعات و چگونگی استفاده از آنست.

"تالد قشطنی" در مقاله مفصلی می گوید: تمام انتشارات غرب در اختیار کامل صهیونیستها می باشد و اینان همگی کوشش خود را در کتمان حقایق و ترویج کذب و جعل دروغ بکار می برند. همچنین بیش از ۸۰ درصد هنرپیشگان هالیوود یهودی الاصل می باشند. ۳۹

جهت دادت به افکار عمومی با تبلیغات

استراتژی فوق در پروتکل طراحان صهیونیسم مورد تصریح قرار گرفته که عینا ذکر می شود.

پروتکل ۵ ماده ۱۰ : برای آنکه بتوانیم افکار عمومی را مشوب سازیم و مردم را در حالت گیجی و سرگردانی نگهداریم؛ باید مطالب ضد و نقیض در بین مردم پخش کنیم و این عمل را انقدر ادامه دهیم که غیر صهیونیستها خود را در پیچ و خم اطلاعات متناقض گم کنند.

پروتکل ۷ ماده ۵ : ما باید دولتهای غیر صهیونیست را مجبور کنیم که در جهت هواسته های ما قدم بردارند. روش کار چنین خواهد بود که افکار عمومی را از طریق مطبوعات که به قدرت بزرگ معروفند و تقریباً در دست ما می باشند؛ شکل بدهیم و طبیعی است که دولتها به افکار عمومی توجه خواهند کرد.

ترویج فحشا و منکرات

پروتکل ۹ ماده ۱۰ : ما جوانان مسیحی را در دریائی از افکار شاعرانه غرق می کنیم و انها را بر اساس تئوریه‌ها و اصولی که انها را غلط می پنداریم؛ تربیت می کنیم تا بتوانیم انان را به فساد بکشانیم.

پروتکل ۳ ماده ۸ : در میان توده مردم حسد؛ نفرت و زیاده خواهی ایجاد می کنیم تا از خشم مردم استفاده کرده و همه موانعی را که بر سر راهمان قرار دارند با دستهای انها ریشه کن سازیم.

پروتکل ۱ ماده ۲۲ : به کمک زنان صهیونیست مردان غیر صهیونیست را در عشرتکده ها و محلهای عیاشی به فساد اخلاقی می کشانیم و انها را از جاده عفت و پاکدامنی منحرف می سازیم.

در پایان امید است این گزارش توانسته باشد شناختی اجمالی نسبت به استراتژی رژیم صهیونیستی به خوانندگان محترم ارائه نموده باشد تا ماهیت شوم و پلید این رژیم برای همه روشن گردد و با درک عمیق از واقعیتهای موجود و شناخت استراتژیهای رژیم صهیونیستی راه مبارزه برای مسلمانان روشن باشد و روزی شاهد بازگشت قدس شریف به اغوش گرم مسلمانان و شاهد نابودی رژیم صهیونیستی باشیم رژیم که با نقشه های شیطانی تا به امروز توانسته است ثبات خود را قوام بخشد.

فهرست منابع

۱. بوفر؛ اندره؛ مقدمه ای بر استراتژی؛ ترجمه مسعود کشاورز؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی؛ ۶۶؛ ص ۳۰
۲. روشندل؛ جلیل؛ تحول در مفهوم استراتژی "مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی؛ ۱۳۷۰
۳. همان
۴. همان
۵. بوفر؛ اندره؛ نظری بر استراتژی نظامی؛ بیروت؛ ۱۹۷۰؛ ص ۷۶
۶. طلوعی؛ محمود؛ افت جهانی؛ هفته؛ ۶۶؛ ص ۷۹
۷. the protocols of the learned Elders of zion
۸. هرتصل؛ تئودور؛ صهیونیسم چه می خواهد؛ ترجمه بهرام محسن پور؛ کاوشی؛ ۶۰ پیشگفتار
۹. منبع تمام پروتکلها که در این مقاله استفاده شده است "کتاب صهیونیسم چه می خواهد" می باشد.
۱۰. علم الهدی؛ جوند؛ شناخت صهیونیسم بین الملل؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۶۰
۱۱. هرتصل؛ تئودور؛ پیشین
۱۲. بن گوریون "اسرائیل در میان ملتها" سالنامه دولتی سال ۱۹۵۳ اسرائیل.
۱۳. رباعه؛ غازی اسماعیل؛ استراتژی اسرائیل؛ ترجمه محمد رضا فاطمی؛ سفیر؛ ۱۳۶۸؛ ص ۱۰۵
۱۴. حسنین هیکل؛ محمد؛ نیروی نظامی صهیونیسم؛ قاهره؛ موسسه الاهرام؛ ۱۹۷۲؛ ص ۳۱
۱۵. لوکرنیف؛ اسرائیل - اسطوره ها و واقعیت؛ ترجمه مازیار؛ تهران؛ ابوریحان؛ ۱۳۵۹؛ ص ۳۳
۱۶. جهان زیر سلطه صهیونیسم؛ انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳۶۱؛ ص ۱۰
۱۷. طلوعی؛ محمود؛ پیشین؛ ص ۱۶۸
۱۸. امبروز؛ استیفن؛ روند سلطه گری؛ مترجم لحمد تابنده؛ تهران؛ چاپخش؛ ۶۸؛ ص ۳۶۳
۱۹. طلوعی؛ محمود؛ پیشین؛ ص ۱۶۸
۲۰. ساجدی؛ احمد؛ سازمانهای جاسوسی دنیا؛ بی جا؛ محراب قلم؛ ۱۳۶۵؛ ص ۱۲۱

۲۱. کلیفتون؛ تونی؛ اسمان گریست؛ ترجمه کاظم چایچیان؛ تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۶۴
۲۲. طلاس؛ مصطفی؛ نظری بر استراتژی صهیونیسم؛ دمشق؛ صص ۲۸-۳۰
۲۳. طلوعی؛ محمود؛ پیشین؛ ص ۱۶۲
۲۴. اشکول؛ یوسف؛ امنیت اسرائیل و خدمت در ارتش دفاع؛ ترجمه سمیر سمعان؛ وزارت آموزش و پرورش عمان؛ ۱۹۷۵؛ ص ۵
۲۵. وزیری کرمانی؛ محمد حسن؛ اسرائیل؛ فاشیسم جدید؛ تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۵۹
۲۶. جهان زیر سلطه صهیونیسم؛ پیشین؛ ص ۵۶
۲۷. رباعه؛ غازی اسماعیل؛ پیشین؛ ص ۷۸
۲۸. همان؛ ص ۸۷
۲۹. همان؛ ص ۸۴
۳۰. همان؛ ص ۸۰
۳۱. طلوعی؛ محمود؛ پیشین؛ ص ۱۶۵
۳۲. بوفر؛ اندره؛ استراتژی اقدام؛ ترجمه مسعود کشاورز؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل؛ ۶۶
۳۳. رباعه؛ غازی اسماعیل؛ پیشین؛ ص ۸۹
۳۴. جهان زیر سلطه صهیونیسم؛ ص ۱۱۱
۳۵. ایوانف؛ یوری؛ صهیونیسم؛ ترجمه ابراهیم ونسی؛ تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۵۶؛ ص ۷۶
۳۶. جهان زیر سلطه صهیونیسم؛ پیشین؛ ص ۱۱۱
۳۷. همان.
۳۸. شیرازی؛ سید محمد؛ دنیا بازیچه یهود؛ ترجمه هادی مدرسی؛ چاپخانه اداب نجف؛ ۱۳۸۸ق؛ ص ۱۲۰
۳۹. جهان زیر سلطه صهیونیسم؛ پیشین؛ ص ۶۶